



«قطب‌الدین شیرازی» حکیمی که بذله‌گو و شوخ طبع بود

قطب‌الدین شیرازی، فلسفه و حکمت را نزد خواجه نصیرالدین طوسی آموخت و در جواب اینکه خواجه گفت اگر رصد خانه را نسازم، توسط هلاکو کشته می‌شوم، او پاسخ داد که من رصدخانه را می‌سازم!

قطب‌الدین شیرازی، فلسفه و حکمت را نزد خواجه نصیرالدین طوسی آموخت و در جواب اینکه خواجه گفت اگر رصد خانه را نسازم، توسط هلاکو کشته می‌شوم، او پاسخ داد که من رصدخانه را می‌سازم!

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، پدرش طبیب و مدرس بیمارستان مظفری شیراز بود که در سال 710 در گذشت و پسر به جای پدر به طبابت پرداخت و ده سال به همین منوال زندگی کرد.

کلیات قانون را نزد عموی خویش خواند و نزد احمد کاشفی فقه آموخت. فلسفه و حکمت را نزد خواجه و کاتبی قزوینی آموخت. داستان تهدید خواجه توسط هلاکوخان که اگر رصدخانه ناتمام می‌ماند، تو را می‌کشتم و گفته قطب‌الدین که من رصد را تمام می‌کنم و اعتراض خواجه به او که جلسه جای شوخی نبود و پاسخ قطب‌الدین که من به جد گفته بودم معروف است!

قطب‌الدین، محمود بن مسعود بن مصلح شیرازی مسافرتی به خراسان و اصفهان و بغداد داشت و به روم رفت و با مولانا جلال الدین (متولی 672 هـ) ملاقات کرد. کتاب جامعه الاصول را نزد صدرالدین قونوی قرائت کرد و از او طریقت و شریعت آموخت. در اواخر عمر به تبریز آمد و مدت چهارده سال عزلت گزید و به تألیف و تصنیف پرداخت.

او ریاضی‌دان، منجم و عالم طبیعیات بوده است و در عین حال به پزشکی و فلسفه نیز پرداخته است. این دانشمند نیز مدت‌ها در خدمت احمد و ارغنون از ایلخانان ایران روزگار گذراند.

*تألیفات

آثار مهم او عبارت‌اند از: شرح حکمة الاشراف سهروردی که بر آن شرح زیادی نوشته شد و مهم‌ترین آنها حاشیه ملاصدراست. شرح مفتاح العلوم به نام مفتاح‌المفتاح که اصل کتاب از سکاکی است و 32 هزار بیت دارد.

التحفة الشاهیه به فارسی و در علم هیئت که شرح‌های زیادی بر آن نوشته شد از جمله شرح قوشچی و سید شریف جرجانی، نهایة الادراک فی دراسة الافلاک به فارسی و در علم هیئت، شرح مختصر ابن حاجب، فتح المنان فی تفسیر القرآن، حاشیه بر کتاب حکمة العین و ...

سبک نگارش او به ویژه در درة التاج مقتضی قرن هفتم و هشتم هجری است. در این مسیر از ابن سینا و سهروردی و امام فخر رازی استفاده کرده است.

او در سبک زندگی و نویسندگی حالت بذله‌گویی و شوخ طبعی داشت. در شعر گفتن به زبان فارسی و عربی قوی بود. از جمله اشعار فارسی او رباعی زیر است:

یک چند به یاقوت تر آلوده شدیم/یک چند پی زمرد سوده شدیم

آلودگی بود ولیکن تن را/شستیم به آب توبه و آسوده شدیم